

سنجش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در راهبرد توسعه شهری (نمونه موردی: منطقه ۲۲ شهرداری تهران)*

ندا ملک زاده^{۱*}، محمد مسعود^۲، هاشم داداش پور^۳

^۱ کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه هنر اصفهان
^۳ استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲۰

چکیده

بررسی نظریه‌ها و رویکردهای مختلف مرتبط با توسعه شهری در صد سال اخیر حکایت از نبود جایگاه مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در توسعه شهر دارد. از این رو، در جهت رفع این مسأله، نیاز به برنامه و طرحی است که نظام توسعه را از هرگونه خلأ برنامه‌ریزی مبرا نماید. یکی از انواع برنامه‌ها و طرح‌ها که برای توسعه هر شهر یا منطقه شهری الزامی است و مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان را در توسعه شهری ملزوم می‌نماید، رویکرد راهبرد توسعه شهر است. بررسی مشخصه‌ها و مفهوم رویکرد راهبرد توسعه شهری نشان می‌دهد که این رویکرد با تبیین جایگاه و نقش ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در توسعه شهر سعی در توسعه همه جانبه شهر یا منطقه شهری دارد. در این پژوهش پس از بهره‌گیری از مبانی نظری موضوع، میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در منطقه ۲۲ شهرداری تهران در چارچوب رویکرد راهبرد توسعه شهری بررسی شده است. در چارچوب رویکرد تحقیق، چهار بعد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی به عنوان زمینه مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و در آن برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش پیمایش و از ابزار پرسشنامه و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در توسعه منطقه ۲۲ در سال‌های اخیر، رو به رشد بوده است و تمایل سرمایه‌گذاری اقتصادی (با میانگین ۳،۱۵) در منطقه بالا است. ولی به دلیل ناآگاهی اجتماعی و نبود اعتماد میان سازمان‌های دولتی و شهروندان، تمایل اجتماعی ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در منطقه (با میانگین ۲،۸۲) پایین است. میزان مشارکت در بعد مدیریتی و محیطی به ترتیب دارای میانگین ۳،۰۹ و ۳،۰۰ است. در مجموع میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان با میانگین ۳،۰۰ متوسط ارزیابی می‌شود. بنابراین توصیه می‌شود قبل از هر اقدام اقتصادی، اجتماعی و در منطقه ۲۲، بسترهای لازم برای ارتقای میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در منطقه ایجاد شود. این تحقیق معتقد است که نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران باید به سمت رویکرد راهبرد توسعه شهری با تأکید بر مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در تمامی ابعاد توسعه سوق داده شود.

واژگان کلیدی: راهبرد توسعه شهری، مشارکت، ذی‌نفعان، ذی‌نفوذان، چشم اندازسازی، منطقه ۲۲ شهرداری تهران.

مقدمه

در حال حاضر مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان رمز موفقیت طرح‌های توسعه شهری و هم‌چنین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری است. در این میان، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری است که در فرآیند برنامه‌ریزی توجه زیادی به مشارکت افراد دارد. این برنامه‌ریزی تلفیقی از نظریه‌های ارتباطی، برنامه‌ریزی مشارکتی و نظریه‌های پست مدرن - فرانوگرایی است که در سال‌های اخیر - بویژه در کشورهای در حال توسعه - متداول شده است و نویدی در جهت پاسخ‌گویی به مشکلات برنامه‌ریزی شهری در ارتباط با مسائل سلسله مراتب برنامه‌ها، انعطاف‌پذیری برنامه‌ها، هماهنگی بین سازمانی، اجرایی بودن و جلب مشارکت مردمی است. راهبرد توسعه شهری (C.D.S)^۱ با به مشارکت فراخواندن گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع در چشم‌اندازسازی مشارکتی از آینده شهر، برنامه‌های اجرایی^۲ را برای توسعه همه جانبه شهرها در نظر می‌گیرد (Cities Alliance, 2006: 21). از طریق مشارکت ذی‌نفعان می‌توان در اجرای پروژه‌ها و فعالیت‌های عمومی، تمرکزگرایی را در دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی کاهش داد و منابع قدرت تصمیم‌گیری را به سطوح پایین‌تر منتقل نمود (Un-Habitate, 2004-2006: 13). با این روش، امکان تصمیم‌گیری در سطوح محلی در مورد گزینش، طراحی و اجرای فعالیت‌های توسعه بیشتر امکان‌پذیر می‌شود. راهبرد توسعه شهری، ضمن این‌که ماهیتی استراتژیک دارد و برای سامان دادن به اقدامات لازم در جهت نیل به اهداف خود فعالیت می‌کند، بر مشارکت شهروندان در کل فرآیند نیز به شدت تأکید دارد و می‌کوشد با ایجاد ساختار اعتماد و ارتباط بین گروه‌های مختلف (به عنوان سازوکاری اجتماعی)، ضمن شناسایی قابلیت‌ها و فرصت‌های توسعه، مردم را تشویق کند تا متفاوت از گذشته به توسعه شهرشان اهمیت دهند. مراجع محلی در مراحل مختلف فرآیند، با برگزاری نشست‌های مشورتی و ارائه گزارش، از تجربه‌ها و نظرهای شهروندان استفاده و با آگاه ساختن آن‌ها از فرآیند و نتایج کار، مشارکت بیش‌تر آن‌ها را تضمین می‌کنند (رفیعیان و شاهین‌راد، ۱۳۸۷: ۱۰).

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل مشارکت ذی‌نفعان در تعیین سرنوشت منطقه ۲۲ شهرداری تهران در چارچوب رویکرد برنامه راهبردی توسعه شهری است. تا مسائل و مشکلات شهری را که دامن‌گیر شهرها بویژه مناطق شهری است برای شهروندان و مدیریت شهری روشن سازد و مورد توجه قرار دهد.

۱. پیشینه و چارچوب نظری

بررسی نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون مرتبط با مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در امر توسعه شهری در طول چند دهه اخیر به نحو کاملی حکایت از توفیق رویکرد راهبرد توسعه شهری، بر دیگر رویکردها دارد؛ به طوری که بعد از شکل‌گیری تفکر و نظریه برنامه‌ریزی راهبردی، بسیاری از اندیشه‌مندان به بحث درباره مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در چارچوب برنامه‌ریزی

راهبردی پرداخته‌اند. به صورت دقیق و علمی، ریشه رویکرد راهبرد توسعه شهری نشأت گرفته از تفکر راهبردی است که می‌توان به نوشته‌های سان تزو^۳ فیلسوف چینی، از ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اشاره نمود. گلوک و همکاران در بررسی برنامه‌ریزی راهبردی پنج مرحله (مرحله اول در دهه ۱۹۵۰ بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی بلند مدت، مرحله دوم، دهه ۱۹۶۰ تولید برنامه‌ریزی راهبردی، مرحله سوم دهه ۱۹۷۰ تولید برنامه‌ریزی راهبردی، مرحله چهارم دهه ۱۹۸۰ ظهور مدیریت راهبردی و مرحله پنجم دهه ۱۹۹۰ ظهور تفکر راهبردی) از شکل‌گیری تفکرات راهبردی را نام برده‌اند و اشاره کرده‌اند که رویکرد راهبرد توسعه شهری نشأت گرفته از مرحله پنجم ظهور تفکر راهبردی در دهه ۱۹۹۰ است (مرادی مسیحی، ۱۳۸۴: ۲۹-۱۶). در زمینه شهرسازی، در واقع قبل از دهه ۱۹۶۰ تمامی سنت‌های برنامه‌ریزی به ترتیب اهداف کارکردی، نظم و ایجاد تعادل را دنبال می‌نمودند، که تمامی آن‌ها در اصل اهدافی کالبدی هستند. بعد از دهه ۱۹۶۰ و به دنبال انتقادات متعدد بر طرح تفصیلی و جامع‌کامان سنت‌های جدیدی پدیدار شدند که بر دیگر اهداف علاوه بر اهداف کالبدی تأکید می‌ورزیدند؛ از جمله، برنامه‌ریزی اقتصادی با هدف توزیع بهتر منابع، برنامه‌ریزی طرح با هدف سرمایه‌گذاری بهینه در طرح‌ها، برنامه‌ریزی اجتماعی با هدف بهزیستی و مشارکت شهروندان، برنامه‌ریزی فرهنگی با هدف ایجاد هویت فرهنگی، برنامه‌ریزی زیست‌محیطی با هدف سازگاری و بهبود محیط زیست (مهندسان مشاور فرهاد، ۱۳۷۹: ۱۴).

از حدود دهه ۱۹۸۰، به دنبال ظهور تحولات جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در غرب، الگوی برنامه‌ریزی راهبردی نیز، در معرض انتقاد و اصلاح قرار گرفت و نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدیدی در جهت تکمیل برنامه‌ریزی شهری و روش‌های عملی و اجرایی آن به ظهور رسیده است؛ از جمله می‌توان به نظریه‌های «برنامه‌ریزی دموکراتیک^۴»، «برنامه‌ریزی فرآیندی^۵»، «برنامه‌ریزی مشارکتی»، «برنامه‌ریزی حمایتی» و «برنامه‌ریزی خرد خرد» اشاره کرد. از حدود دهه ۱۹۸۰ میلادی این وضعیت باعث پیدایش انواع نظریه‌ها، روش‌ها و فنون برای اصلاح و تکامل برنامه‌ریزی شهری در طول چند دهه اخیر شده است. به همین دلیل، موضوع برنامه‌ریزی شهری، هم در عرصه نظری و هم در عرصه عملی، با ابهام‌ها و مشکلات زیادی رو به رو شد، که گاهی از آن به عنوان «بحران شهرسازی» یاد می‌شود. برنامه‌ریزی مشارکتی، نظریه‌ای است که بر پایه اعتقاد و مشارکت، کثرت‌گرایی و جامعه مدنی استوار است. از این دیدگاه، تصمیم‌گیری درباره توسعه و عمران شهر یا منطقه، باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن مؤثر و ذی‌نفع هستند و باید بر اساس عدالت، آزادی و حق انتخاب شهروندان استوار گردد. برای تحقق این امر، باید اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، بیش از پیش به عهده نهادهای اجتماعی محلی، شوراهای محلی، همه گروه‌های کارشناسی و مانند این‌ها واگذار شود. به طور کلی از مهم‌ترین اصول و ویژگی‌های رویکرد مشارکتی در برنامه‌ریزی می‌توان از «نفی جبرگرایی کالبدی»، نقد

علم‌گرایی و روی آوردن به ارزش‌ها «مشارکت مردم» و «تقویت جامعه مدنی» نام برد (شکرکز، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۸). از این رو، در دهه ۱۹۹۰ با شکل گرفتن تفکر و برنامه‌ریزی راهبردی، رویکرد راهبرد توسعه شهری با تأکید بر توجه به نیازهای واقعی شهر و شهروندان، امکانات و محدودیت‌های توسعه، بر اساس بررسی‌های دقیق از وضعیت جامعه، سازمان‌ها با شرکت کلیه گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند برنامه‌ریزی، شرکت گروه‌های ذی‌نفع از جمله نهادهای غیردولتی، دولتی، بخش خصوصی و مردم و پرهیز از خواست و سلیقه کارفرمایان در پروژه‌های شهری، پا به عرصه وجود نهاد.

در سال ۱۹۹۹ با شکل‌گیری سازمان ائتلاف شهرها^۶ توسط بانک جهانی^۷ و مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل^۸ به منظور ارتقای زندگی افراد فقیر شهری در کشورهای در حال توسعه، رویکرد راهبرد توسعه شهری در توسعه شهرهای کشورهای در حال توسعه، محوریت اجرایی گرفت. سازمان ائتلاف شهرها بر روی دو اولویت تأکید داشته است: ۱. تعهد به برنامه‌های کلان برای توانمندسازی شرایط زندگی غیر بهداشتی و آسیب‌پذیر فقیران شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی و زاغه‌ها در شهرهای کشورهای در حال توسعه، ۲. تسهیل به فرآیندهای مشارکتی، به این معنا که برنامه‌ریزان محلی، راهبردهای توسعه شهری را طراحی کنند که چشم‌انداز و وضعیت اقتصادی شهرهایشان را تعریف و اولویت‌ها را برای سرمایه‌گذاری و اقدام مشخص سازند (Cities Alliance 2001: 18). در واقع، سازمان ائتلاف شهرها نقش بسزایی به سازمان‌های مدنی و غیردولتی در روند توسعه داده است. به گونه‌ای که رویکرد راهبرد توسعه شهری از طریق طرح‌های اجرایی جامع بر روی بهبود حاکمیت، مسئولیت مالی و تثبیت اولویت‌های مشخص برای اقدام و سرمایه‌گذاری متمرکز می‌شود. راهبردهای توسعه بر مبنای ارزیابی دیدگاه‌های رشد اقتصادی شهر است و هدف، بهبود رقابت‌پذیری شهر است (ODA, 1995). راهبرد توسعه شهری، سندی است که در آن تکنیک‌های مشارکتی به کار گرفته شده و هدف اصلی آن تأمین توسعه پایدار شهری از طریق ایجاد ظرفیت اجتماعی برای چشم‌اندازسازی مشارکتی و اقدام همگانی است. این سند وسیله‌ای است که در جهت رشد منطبق با عدالت اجتماعی شهرها از طریق همکاری و مشارکت گسترده جامعه در جهت ارتقای کیفیت زندگی کلیه شهروندان تهیه می‌گردد. این سند براساس «چشم‌انداز مشترک جهت ارتقای کیفیت اداره و مدیریت شهری، افزایش میزان سرمایه‌گذاری به منظور بالا بردن نرخ اشتغال و کاهش منظم و پایدار فقر شهری» تدوین می‌شود. (زبیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۹-۲۱۸). راهبرد توسعه شهر، شامل فرآیندی است که ائتلاف گسترده‌ای از مدیران محلی را برای تقویت برنامه‌ها و راهبردهای شهر و بررسی موانع و امکانات آن، به کار می‌گیرد. با اعمال نظرات و دیدگاه‌های متفاوت، می‌توان چنین بیان کرد که راهبرد توسعه شهر روش برنامه‌ریزی راهبردی با تعریف دقیق نیست، بلکه رویکردی است به برنامه‌ریزی راهبردی که در سطح شهر (و در بعضی موارد منطقه شهری) مطرح می‌شود (رفعیان و شاهین‌راد، ۱۳۸۷: ۱۰). رویکرد راهبرد توسعه شهری فرآیندی

خطی نیست که با ارزیابی وضع موجود شروع شده و به اجرا ختم شود. این راهبرد در اغلب موارد، شامل فرآیندهای چرخه‌ای یا موازی است که در یک نقطه خاص متوقف نمی‌شود. مراحل مشخص راهبرد توسعه شهر، بیش‌تر به شرایط و ویژگی‌های هر شهر یا منطقه شهری بستگی دارد. فرآیند راهبرد توسعه شهری، خط‌مشی‌ای استراتژیک که مبنای و محرک اساسی برای اقدام‌های توسعه و اجرای فرآیندهای توسعه اجتماعی، کالبدی و اقتصادی به یاری مسائل و فرصت‌های شهری به شمار می‌آید (حق‌جوو سرداری زنون، ۱۳۹۰: ۸۹). این راهبرد چهار مرحله اساسی و مهم دارد:

مرحله ۱: کجا هستیم؟ در این مرحله شهر از تمامی ابعاد، اعم از اقتصادی، اجتماعی، منابع، محیط زیست، جغرافیا و قابلیت‌ها و ضعف‌ها و انتظارات گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع‌مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرد (Cities Alliance, 2005: 1).

مرحله ۲: می‌خواهیم کجا باشیم؟ پس از گذراندن مرحله اول و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، برآورد نیازها و انتظارات جامعه، چشم‌انداز شهر تنظیم می‌شود (Cities Alliance, 2005: 1).

مرحله ۳: چگونه به آنجا برسیم؟ گزینش و تدوین برنامه‌های مداخلات برای رفع مشکلات و نیازها در این مرحله صورت می‌گیرد. ضروری است در این مرحله با استفاده از روش‌های ارزیابی راهبردی، برنامه‌های مختلف مورد سنجش قرار گیرد (Cities Alliance, 2005: 2).

مرحله ۴: چه اقداماتی باید انجام دهیم؟ در این مرحله با تعیین راهبردی‌ها، برنامه‌های مشخص شده برای اقدام و پروژه‌ها، جزئیات اجرایی دستیابی به چشم‌انداز ارائه می‌شود و مسئولیت‌های حاکمیت محلی، جامعه، نهادهای خصوصی و اشخاص تعیین می‌گردد (Cities Alliance, 2005: 2).

در کلیه مراحل، تمام گروه‌های ذی‌نفع، مشارکت دارند و ساز و کاری برای ارزیابی و نظارت بر پیشرفت فرآیند وجود دارد. در نتیجه، ایجاد ارتباط و اعتماد بین عوامل مختلف، دستیابی به دستاوردهای مشترک و هماهنگ و رفع نواقص احتمالی و به‌روز کردن داده‌ها و خواسته‌ها به خوبی امکان‌پذیر می‌شود. هم‌چنین، مصمم بودن گروه‌های ذی‌نفع در عمل، از عوامل مؤثر در موفقیت راهبرد توسعه شهر است (رفعیان و شاهین‌راد، ۱۳۸۷: ۱۱).

چهار زمینه مهم در راهبرد توسعه شهری عبارتند از:

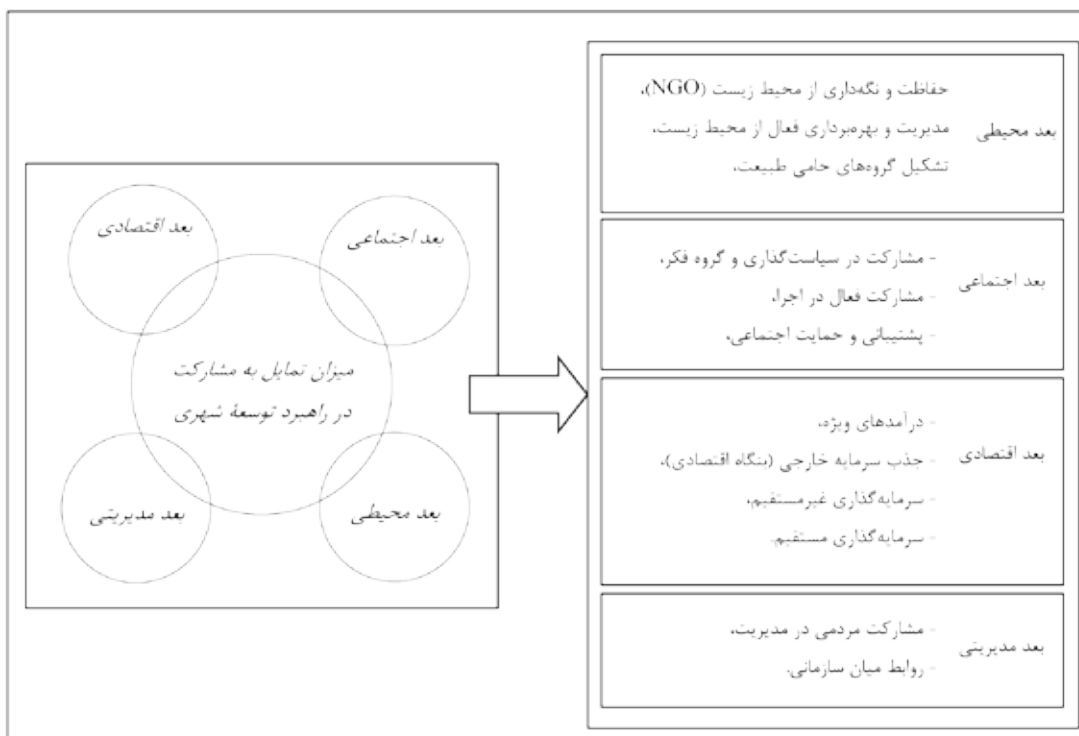
۱. وضعیت اقتصادی: شامل بررسی وضعیت اشتغال، درآمد خانوارها، توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در شهر، منابع درآمدی خانوارها و ...
۲. پایداری محیطی و تولید انرژی شهر و کیفیت ارائه تجهیزات و تأسیسات زیربنایی و روبنایی شهری،
۳. وضعیت اجتماعی: شامل سواد، سطح فرهنگ، میزان ازدواج و طلاق، بررسی میزان مشارکت در توسعه شهر، اطلاع‌رسانی و تبلیغات و ...

۴. مدیریت شهری شامل نهادها، سازمان‌های دخیل در مدیریت شهری، روابط میان سازمانی، مدیریت نخبگان، کاربزمها،

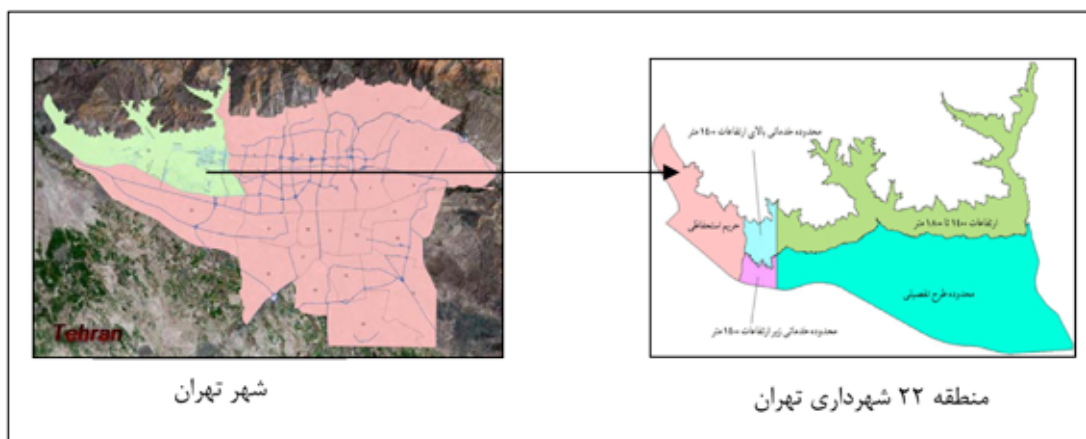
شوراهای شهر و ... (Cities Alliance, 2006: 5-6).

مطابق این مبانی نظری می‌توان این گونه بیان نمود که «ویکرد راهبرد توسعه شهری بر مبنای مشارکت تمامی گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع در جامعه معنا می‌یابد؛ به بیان دیگر، راهبرد توسعه شهری بستری جهت ایجاد مشارکت در تمامی مراحل برنامه‌ریزی توسعه در شهر یا منطقه شهری می‌باشد به گونه‌ای که بدون مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان، برنامه‌های توسعه شهری ظهور نمی‌یابند و در صورت ظهور در مدت زمان کوتاهی با شکست مواجه خواهند شد» به عبارت بهتر، مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در تمامی ابعاد توسعه شهر (اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی - مدیریتی - نهادی و...) کلید اصلی توسعه شهرها و مناطق شهری است.

۲. طراحی مدل مفهومی تحقیق



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق



تصویر شماره ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه ۲۲ شهرداری تهران، مأخذ: سایت شهرداری منطقه ۲۲

در این تحقیق برای دستیابی به مدل مفهومی از دو فرآیند استفاده شد. ابتدا در چهار بعد (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی - مدیریتی، زیست محیطی) میزان تمایل مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در ابعاد چهارگانه سنجیده شد. در مرحله دوم به منظور تحلیل عوامل مؤثر بر ابعاد چهارگانه مشارکت، گویه‌های هر کدام از ابعاد چهارگانه مورد بررسی قرار گرفت.

۳. محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، منطقه ۲۲ شهرداری تهران است که در قسمت شمال غربی شهر تهران و در پایین دست حوضه آبریز رودخانه کن و وردیج واقع شده است. این منطقه در شمال با کوهستان البرز مرکزی، در شرق با حریم رودخانه کن، در جنوب با آزاد راه تهران - کرج و در غرب با محدوده جنگل‌های دست کاشت وردآورد محدود می‌گردد.

۴. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در توسعه منطقه پایین است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین مشخصه‌های عمومی پاسخگویان با میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در توسعه منطقه ۲۲ رابطه وجود دارد.

۵. روش انجام تحقیق

از آنجایی که این تحقیق از نوع بنیادی و کاربردی است، از برداشت میدانی (روش پیمایشی) برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شد. مطابق این روش، پرسشنامه‌هایی تهیه شد و پس از تعیین حجم نمونه بر اساس داده‌های جدول حداقل اندازه نمونه برای جامعه آماری کوچک از کتاب «تحقیق پیمایشی راهنمای عمل» ادواردز و همکاران (ادواردز، ۱۳۷۹: ۴۷)، ۱۶۱ نفر به عنوان نمونه آماری بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها در منطقه ۲۲ تکمیل گردیدند. در نهایت، به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش آماری توصیفی - تحلیل و استنباطی استفاده گردید. بر اساس این روش، اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت جدول‌های توزیع فراوانی، پارامترهای آماری و نمودارها، مورد تحلیل قرار گرفت. سپس روابط بین متغیرها با استفاده از تکنیک‌های ضریب همبستگی پیرسون^۹ (برای داده‌های نسبی - نسبی)، ضریب همبستگی اسپیرمن^{۱۰} (برای داده‌های ترتیبی - ترتیبی)، آزمون یومان ویتنی (برای آزمون تفاوت معناداری بین بیش از دو گروه بر اساس متغیر ترتیبی) استفاده گردید.

۶. شاخص‌ها و تعریف عملیاتی

بر حسب مقدمات از جهت امکان دسترسی به اطلاعات، نتایج بررسی مفاهیم نظری و همچنین فرضیه‌ها و اهداف تحقیق، میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در منطقه ۲۲ شهرداری تهران، با تأکید بر راهبرد توسعه شهری، سنجش و اندازه‌گیری خواهد شد. در این بررسی تطبیقی بر کنشگران و واحدهای آماری تحقیق، محل انجام مطالعه، نوع سنجش از داخل یا خارج راهبرد توسعه شهر، روش‌شناسی، ابعاد و شاخص‌های مورد استفاده به عنوان ارکان الگوی سنجش مناسب تأکید شد، تا در نهایت بر اساس ماهیت و شرایط راهبرد توسعه شهری در ایران، روش‌شناسی و شاخص‌های مناسب استخراج شود. بر همین اساس ابتدا ابعاد شاخص‌های اولیه سنجش مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان از رویکرد راهبرد توسعه شهری استخراج شده است. لازم به ذکر است که به دلیل نبود سندی مَدون و مستند در خصوص شاخص‌های مشارکت موضوع پژوهش، لازم شد در تدوین این شاخص‌ها از شیوه‌بازپیرایی معکوس استفاده شده است. بدین مفهوم که ابتدا معیارهای مورد نظر بر اساس مبانی نظری تدوین و استخراج گردیده و سپس در طبقه‌بندی موضوعی به شاخص‌های عمومی‌تر تعمیم یافته‌اند. در نهایت شاخص‌های به دست آمده نیز بر اساس موضوع، در یکی از ابعاد پنج‌گانه و عام شهرسازی دسته‌بندی شده‌اند. به طور کلی،

شاخص‌های پژوهش بر حسب رویکرد نظری، اهداف و فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

جدول شماره ۱: متغیرها و شاخص‌های پژوهش

| ابعاد | شاخص | معیار (خرد شاخص) |
|-------------------------|--|---|
| محیطی | حفاظت و نگهداری از محیط زیست (NGO) | موضع‌گیری در مقابل تخریب‌ها و آسیب‌ها |
| | مدیریت و بهره‌برداری فعال از محیط زیست | بهره‌برداری به شرط نگهداشت و توسعه |
| | تشکیل گروه‌های حامی طبیعت | مدیریت در ازای مسئولیت‌های اجتماعی |
| | سرمایه‌گذاری مستقیم | تشکیل گروه‌های حامی طبیعت |
| اقتصادی | سرمایه‌گذاری غیرمستقیم | احداث، بهره‌برداری، نگهداری |
| | جذب سرمایه خارجی (بنگاه اقتصادی) | مدیریت، زمین، نیروی کار، وقف، خیریه |
| | درآمدهای ویژه | واسطه‌گر، تسهیل‌گر |
| | مالیات‌های موضوعی و خاص | جرایم هدفمند |
| اجتماعی | مشارکت در سیاست‌گذاری و گروه فکر | همه‌پرسی |
| | | گروه‌های متمرکز |
| | | جلسه‌های باز شهری |
| | | همه‌پرسی |
| نهادی - مدیریتی - سیاسی | مشارکت فعال در اجرا | کارگاه‌های آموزشی |
| | مشارکت در اجرا | ارتباطات مجازی، شامل: پست الکترونیکی، وب‌سایت، شبکه اجتماعی و ... |
| | پشتیبانی و حمایت اجتماعی | تلفن و فکس |
| | مشارکت مردمی در مدیریت | دخالت مستقیم |
| روابط میان‌سازمانی | شورایاری محله‌ها | |
| | مشارکت مردمی در مدیریت | گروه‌های فشار (صاحبان قدرت) |
| | | کاریزما و نخبگان جامعه (شیوه‌های سنتی) |
| | | یکپارچگی و مدیریت واحد |
| | مدیریت هماهنگ و ستادی | |

مأخذ: با اقتباس از پرسکلی، 11-20:1386..11-20:187. Cities alliance, 2006:20-187. World bank, 2006:50-120

برخوردار است. از آن جا که این متغیر با ۴ شاخص مورد سنجش قرار گرفته که در ادامه نتایج هر کدام به تفصیل آمده است.

ب-۱. میزان مشارکت در سرمایه‌گذاری مستقیم
میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۳/۲۱ و میزان تمایل پرسش‌شوندگان مشارکت در سرمایه‌گذاری مستقیم از حد متوسط بیشتر می‌باشد.

ب-۲. میزان مشارکت در سرمایه‌گذاری غیر مستقیم
نتایج نشان می‌دهد میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۳/۵۸ و از میانه نظری تحقیق بیش تر است. نتیجه حکایت از آن دارد که میزان تمایل مشارکت پاسخگویان در سرمایه‌گذاری غیر مستقیم به میزان بسیار کم از حد متوسط بیشتر می‌باشد.

ب-۳. میزان مشارکت در جذب سرمایه خارجی (بناگاه اقتصادی)
میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۳/۲۵ می‌باشد، در نتیجه میزان مشارکت پرسش‌شوندگان در جذب سرمایه خارجی در حد متوسط رو به بالا می‌باشد.

ب-۴. میزان مشارکت در درآمدهای ویژه
نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۳/۰۸ و در نتیجه میزان تمایل مشارکت پرسش‌شوندگان در درآمدهای ویژه به میزان بسیار کم از حد متوسط بیشتر می‌باشد.

ج) بررسی میزان تمایل مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد اجتماعی در راهبرد توسعه شهری

نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص برابر ۲/۸۲ که میزان مشارکت ذینفعان و ذی‌نفوذان در بعد اجتماعی کمتر از حد متوسط می‌باشد؛ از این‌رو منطقه ۲۲ در حال حاضر از ظرفیت پایینی برای تبدیل شدن به منطقه‌ای با میزان مشارکت بالای ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد اقتصادی دارد. یافته‌های این متغیر به تفکیک ۳ شاخص در ادامه به بحث گذاشته شده است.

ج-۱. میزان مشارکت در سیاست‌گذاری و گروه فکر
نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۲/۷۷ است؛ این نتیجه حاکی از آن است که میزان تمایل مشارکت پرسش‌شوندگان در سیاست‌گذاری و گروه فکر از کمتر از حد متوسط می‌باشد.

ج-۲. میزان مشارکت فعال در اجرا
میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۲/۷۲ که میزان مشارکت فعال در اجرا پرسش‌شوندگان از حد متوسط کمتر می‌باشد.

ج-۳. میزان مشارکت در پشتیبانی و حمایت اجتماعی
نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۲/۹۷ است؛ میزان مشارکت پرسش‌شوندگان در پشتیبانی و حمایت اجتماعی، کمی کمتر از حد متوسط می‌باشد.

د) بررسی میزان تمایل مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی در راهبرد توسعه شهری

جهت سنجش کامل و دقیق‌تر ابعاد تحقیق، هر شاخص به چندین معیار خرد شده است و در پرسشنامه معیارها توسط گویه‌های مطرح گردیده‌اند.

۷. یافته‌های توصیفی تحقیق

الف. بررسی میزان تمایل مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد زیست محیطی در راهبرد توسعه شهری

برای سنجش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد زیست محیطی از ۳ شاخص، ۵ معیار و ۱۵ گویه در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (نگاه کنید به بخش شاخص‌های تحقیق)؛ و برای کمی‌سازی^{۱۱} گویه‌های تحقیق از روش مقیاس‌سازی استفاده شد. میزان این شاخص برابر ۳ به دست آمد که نشان‌دهنده متوسط بودن میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد محیطی است؛ به عبارت دیگر، نتایج نشان می‌دهد که منطقه ۲۲ در حال حاضر از ظرفیت متوسطی برای تبدیل شدن به منطقه‌ای با میزان مشارکت بالای ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد محیطی، برخوردار است. از آن جا که این متغیر با ۳ شاخص مورد سنجش قرار گرفته، در ادامه نتایج هر کدام از شاخص‌ها به تفصیل آمده است.

الف-۱. میزان مشارکت در حفاظت و نگهداری از محیط زیست (NGO)

نتایج حاکی از آن است که میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۲/۸۳ می‌باشد. این نتیجه حکایت از آن دارد که میزان تمایل مشارکت پرسش‌شوندگان در حفاظت و نگهداری از محیط زیست کمتر از حد متوسط می‌باشد.

الف-۲. میزان مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری فعال از محیط زیست

نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۳/۲۷ می‌باشد. این نتیجه حکایت از آن دارد که میزان تمایل مشارکت پرسش‌شوندگان مایل در مدیریت و بهره‌برداری فعال از محیط زیست بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

الف-۳. میزان مشارکت در تشکیل گروه‌های حامی طبیعت
میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۲/۸۰ می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که میزان تمایل مشارکت پرسش‌شوندگان در تشکیل گروه‌های حامی طبیعت متوسط رو به پایین می‌باشد.

ب) بررسی میزان تمایل مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد اقتصادی در راهبرد توسعه شهری

برای سنجش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد اقتصادی از ۴ شاخص، ۵ معیار و ۱۹ گویه استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص برابر ۳/۱۸ که این میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد محیطی بیشتر از حد متوسط می‌باشد؛ به عبارت دیگر، منطقه ۲۲ در حال حاضر از ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به منطقه‌ای با میزان مشارکت بالای ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد اقتصادی،

برای سنجش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی از ۲ شاخص، ۵ معیار و ۱۸ گویه استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص برابر ۳/۰۹ و کمی بالاتر از حد متوسط است؛ به عبارت دیگر، منطقه ۲۲ در حال حاضر از ظرفیت متوسطی برای تبدیل شدن به منطقه‌ای با میزان مشارکت بالای ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی برخوردار است. از آنجا که این متغیر با ۲ شاخص مورد سنجش قرار گرفت که در ادامه نتایج هر کدام از شاخص‌ها به تفصیل آمده است.

د-۱- میزان مشارکت در مدیریت نتایج نشان می‌دهد که میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۳/۱۵ است؛ از این رو میزان تمایل پرسش‌شوندگان مشارکت در مدیریت، بیشتر از حد متوسط می‌باشد.
د-۲- میزان مشارکت در بهبود روابط میان سازمانی میزان این شاخص در بین پرسش‌شوندگان برابر ۲/۹۳ و این نتیجه نشان می‌دهد که میزان تمایل مشارکت پرسش‌شوندگان در پشتیبانی و حمایت اجتماعی به میزان بسیار کم از حد متوسط کمتر می‌باشد.

جدول شماره ۲: نتایج حاصل از تحلیل‌های توصیفی شاخص‌های تحقیق

| ابعاد | شاخص‌ها | میانگین شاخص‌ها | میانگین ابعاد |
|-------------------------|--|-----------------|---------------|
| زیست محیطی | حفاظت و نگهداری از محیط زیست (NGO) | ۲,۸۳ | ۳,۰۰ |
| | مدیریت و بهره‌برداری فعال از محیط زیست | ۳,۲۷ | |
| | تشکیل گروه‌های حامی طبیعت | ۲,۸۰ | |
| اقتصادی | سرمایه‌گذاری مستقیم | ۳,۲۱ | ۳,۱۸ |
| | سرمایه‌گذاری غیر مستقیم | ۳,۰۵۸ | |
| | جذب سرمایه خارجی (بنگاه اقتصادی) | ۳,۲۵ | |
| | درآمدهای ویژه | ۳,۰۸ | |
| اجتماعی | مشارکت در سیاست‌گذاری و گروه فکر | ۲,۷۷ | ۲,۸۲ |
| | مشارکت فعال در اجرا | ۲,۷۲ | |
| | پشتیبانی و حمایت اجتماعی | ۲,۹۷ | |
| مدیریتی - نهادی - سیاسی | مشارکتی مردمی در مدیریت | ۳,۱۵ | ۳,۰۹ |
| | روابط میان سازمانی | ۲,۹۳ | |
| جمع | | ۳,۰۰ | |

همان‌طور که مشاهده می‌شود، میزان مشارکت در بعد اقتصادی با میانگین ۳/۱۵ دارای رتبه اول، بعد نهادی - مدیریتی - سیاسی با میانگین ۳/۰۹ در رتبه دوم، بعد محیطی با میانگین ۳ در رتبه سوم و بعد اجتماعی با میانگین ۲/۸۲ در رتبه چهارم قرار دارد. میانگین میزان تمایل پاسخگویان به مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در راهبرد توسعه شهری پاسخگویان با احتساب گویه‌های منفی برابر با ۳ است؛ از این رو، میزان تمایل مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در راهبرد توسعه شهری، در حد متوسط ارزیابی می‌گردد.

عبارتند از: میزان تحصیلات، قدمت سکونت، سن و جنسیت.
الف-۱- رابطه جنسیت با تمایل به مشارکت در بعد محیطی تمایل به مشارکت در بعد محیطی با جنسیت رابطه معناداری ندارد. این معناداری از طریق آزمون همبستگی کای اسکور سنجیده شده است. همان‌طور که از جدول معناداری مشاهده می‌شود سطح معناداری رابطه بیش از ۰/۰۵ است و لذا رابطه معناداری بین جنسیت و میزان مشارکت محیطی وجود ندارد. به این معنا که تغییرات میزان مشارکت تابعی از جنسیت نیست.

۸. یافته‌های استنباطی تحقیق

الف) تحلیل عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت محیطی تمایل به مشارکت در بعد محیطی با میانگین ۳ (در یک طیف پنج تایی)، در حد متوسط است. متغیرهایی که معناداری روابطشان با مشارکت محیطی مورد سنجش قرار گرفته‌اند،

جدول شماره ۳: رابطه بین جنسیت و میزان مشارکت در بعد محیطی

| نوع آزمون | ارزش | درجه آزادی | سطح معناداری |
|------------------|----------|------------|--------------|
| کای اسکور پیرسون | ۴,۱۶۳(a) | ۲ | ۰,۱۲۵ |

الف-۲- رابطه بین میزان تحصیلات با تمایل افراد به مشارکت محیطی ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان تحصیلات و میزان مشارکت زیست محیطی در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار و معکوس است. میزان رابطه، ضعیف اما شدت رابطه قوی است. شواهد در سایر تحقیقات در زمینه مشارکت در ایران نشان می‌دهد که بالا رفتن تحصیلات به علت انتخاب عقلانی و اهمیت یافتن منافع فردی برای رشد شخصی، با میزان مشارکت رابطه معکوس دارد. از سایر علل می‌توان به فقدان رویکرد کار گروهی در مقاطع تحصیلی بالاتر اشاره کرد.

جدول شماره ۴: رابطه بین تحصیلات و میزان مشارکت در بعد محیطی

| متغیر | آماره | تحصیلات | مشارکت محیطی |
|-----------------|-----------------------|---------|--------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱,۰۰ | -۰,۲۲۱ (**) |
| | سطح معناداری دو دامنه | ۰ | ۰,۰۰۵ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

الف-۳- رابطه قدمت سکونت با تمایل به مشارکت در بعد محیطی ضریب همبستگی دو متغیر مدت سکونت و میزان مشارکت در ابعاد زیست محیطی معنادار نیست و این بدین معنی است که قدمت سکونت به خودی خود نمی‌تواند مؤلفه تأثیرگذاری بر مشارکت محیطی باشد و شاید در صورت وجود سابقه مشارکتی و آگاهی از مزایای مشارکت، افرادی که سابقه سکونت بیشتری در محله مورد نظر دارند، در صورت فعال شدن، کارایی بیشتری داشته باشند.

جدول شماره ۵: رابطه بین قدمت سکونت و میزان مشارکت در بعد محیطی

| متغیر | آماره | قدمت سکونت | مشارکت محیطی |
|-----------------|-----------------------|------------|--------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱ | ۰,۰۱۴ |
| | سطح معناداری دو دامنه | | ۰,۸۶۳ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

الف-۴- رابطه سن با تمایل به مشارکت در بعد محیطی میزان همبستگی بین دو متغیر سن و میزان مشارکت محیطی معنادار و نوع رابطه معکوس است. در طرح‌های مشارکت محیطی، بیش‌تر باید از توان مشارکتی جوانان که تمایل بیشتری برای مشارکت در زیست بوم خود دارند، استفاده بیشتری شود.

جدول شماره ۶: رابطه بین سن و میزان مشارکت در بعد محیطی

| متغیر | آماره | سن | مشارکت محیطی |
|----------------|-----------------------|------|--------------|
| همبستگی پیرسون | ضریب همبستگی | ۱,۰۰ | -۱,۳۳ (**) |
| | سطح معناداری دو دامنه | ۰ | ۰,۰۴۷ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

ب) تحلیل عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت اقتصادی تمایل به مشارکت در بعد اقتصادی با میانگین ۳/۱۵ (در یک طیف پنج تایی)، در حد متوسط به بالا است. عواملی که می‌تواند بر مشارکت در ابعاد اقتصادی مؤثر باشد، شامل میزان درآمد، سن، نحوه تصرف ملک و وضع فعالیت در نظر گرفته شد.

ب-۱- رابطه میزان درآمد با تمایل به مشارکت در بعد اقتصادی همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود بین میزان درآمد افراد و میزان مشارکت اقتصادی آنان رابطه معنادار مستقیم وجود دارد.

جدول شماره ۷: رابطه بین میزان درآمد و میزان مشارکت اقتصادی

| متغیر | آماره | میزان درآمد | مشارکت اقتصادی |
|-----------------|-----------------------|-------------|----------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱ | ۰,۰۱۸ |
| | سطح معناداری دو دامنه | | ۰,۰۹۵ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

ب-۲- رابطه نحوه تصرف ملک با تمایل به مشارکت در بعد اقتصادی همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌گردد میزان مشارکت اقتصادی در بین گروه‌های مختلف تصرف ملکی پاسخگویان تفاوت معناداری ندارد.

جدول شماره ۸: همبستگی بین نحوه تصرف ملک و میزان مشارکت در بعد اقتصادی

| F | سطح معناداری (دو دامنه) | فاصله اطمینان | تحلیل واریانس یک راهه ANOVA |
|-------|-------------------------|---------------|-----------------------------|
| ۰,۲۷۵ | ۰,۸۹۷ | ۰,۹۵ | |

ب-۳- رابطه وضع فعالیت با تمایل به مشارکت در بعد اقتصادی با توجه به جدول آزمون F یا ANOVA بین وضع فعالیت و میزان مشارکت اقتصادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۹: همبستگی نوع وضع فعالیت و میزان مشارکت در بعد اقتصادی

| F | سطح معناداری (دو دامنه) | فاصله اطمینان | تحلیل واریانس یک راهه ANOVA |
|-----|-------------------------|---------------|-----------------------------|
| ۱,۴ | ۰,۲۲ | ۰,۹۵ | |

ج) تحلیل عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت اجتماعی تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی با میانگین ۲,۸۲ (در یک طیف پنج تایی)، در حد متوسط به پایین است. متغیرهایی که تأثیر آنها بر مشارکت اجتماعی مورد سنجش و آزمون قرار گرفته، شامل سن، جنس، سطح سواد، قومیت و قدمت سکونت است.

ج-۱- رابطه سن با تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی مطابق جدول زیر، میزان ضریب همبستگی بین سن و مشارکت

اجتماعی در سطح معناداری ۰/۰۰۱ برابر با ۰/۴۵۶- است این بدان معناست که بین سن و مشارکت در امور اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. شدت و میزان رابطه قوی و معکوس است؛ از این رو، با افزایش سن افراد میزان تمایل به مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۰: همبستگی بین سن و میزان تمایل مشارکت در بعد اجتماعی

| متغیر | آماره | سن | مشارکت اجتماعی |
|-----------------|-----------------------|------|----------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱,۰۰ | ۰,۴۵۶- (**) |
| | سطح معناداری دو دامنه | ۰ | ۰,۰ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

ج-۲- رابطه جنسیت با تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی در جدول توصیفی مشاهده می‌شود میانگین مشارکت اجتماعی مردها و زن‌ها تفاوت چندانی با هم ندارد. علاوه بر این که محاسبات آماری نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین مشارکت زنان و مردان در امور اجتماعی وجود ندارد.

جدول شماره ۱۱: آزمون تی تست بین جنسیت و میزان تمایل مشارکت در بعد اجتماعی

| مشارکت اجتماعی | آماره لوین برای واریانس‌ها | | آزمون تی تست با فرض برابری میانگین‌ها | | |
|---------------------------|----------------------------|--------------|---------------------------------------|------------|----------------------------|
| | F | سطح معناداری | t | درجه آزادی | سطح معناداری دو میانگین‌ها |
| فرض برابری واریانس‌ها | ۰,۹۵۴ | ۰,۳۳ | ۰,۵۶۰ | ۱۵۹ | ۰,۵۷۶ |
| فرض عدم برابری واریانس‌ها | | | ۰,۵۷۵ | ۱۴۳,۳۴ | ۰,۵۶۶ |

ج-۳- رابطه میزان تحصیلات (سطح سواد) با تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی رابطه بین قدمت سکونت با میزان مشارکت اجتماعی معنادار و مستقیم است. در سطح معناداری ۰/۸۰۳ میزان همبستگی ۰/۱۱۱ به دست آمد؛ یعنی با افزایش میزان تحصیلات، میزان تمایل مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱۲: همبستگی بین میزان تحصیلات و میزان تمایل مشارکت در بعد اجتماعی

| متغیر | آماره | میزان تحصیلات | مشارکت اجتماعی |
|-----------------|-----------------------|---------------|----------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱ | ۰,۱۱۱ |
| | سطح معناداری دو دامنه | | ۰,۸۰۳ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

ج-۴- رابطه میزان قدمت سکونت با تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی رابطه بین قدمت سکونت با میزان مشارکت اجتماعی معنادار و معکوس است. در سطح معناداری ۰/۰۰۳ میزان همبستگی ۰/۲۳ به دست آمد؛ یعنی با افزایش سال سکونت در محل میزان تمایل مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۳: جدول همبستگی بین میزان قدمت سکونت و میزان تمایل مشارکت در بعد اجتماعی

| متغیر | آماره | قدمت سکونت | مشارکت اجتماعی |
|-----------------|-----------------------|------------|----------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱ | ۰,۲۳۴- (**) |
| | سطح معناداری دو دامنه | | ۰,۰۰۳ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

ج-۵- رابطه بین نحوه تصرف ملکی با تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی

میزان مشارکت اجتماعی در بین گروه‌های مختلف تصرف ملکی پاسخگویان تفاوت معناداری ندارد.

جدول شماره ۱۴: همبستگی بین نحوه تصرف ملکی و میزان تمایل مشارکت در بعد اجتماعی

| F | فاصله اطمینان | سطح معناداری (دو دامنه) | تحلیل واریانس یک راهه ANOVA |
|------|---------------|-------------------------|-----------------------------|
| ۰,۲۳ | ۰,۹۵ | ۰,۸۷ | |

ج-۶- رابطه بین نوع قومیت با تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی میزان مشارکت اجتماعی در بین قومیت‌های مختلف تفاوت معناداری ندارد.

جدول شماره ۱۵: همبستگی بین قومیت و میزان تمایل مشارکت در بعد اجتماعی

| F | فاصله اطمینان | سطح معناداری (دو دامنه) | تحلیل واریانس یک راهه ANOVA |
|------|---------------|-------------------------|-----------------------------|
| ۰,۹۵ | ۰,۹۵ | ۰,۴۵ | |

د) تحلیل عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت مدیریتی - نهادی - سیاسی

تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی با میانگین ۳/۱۵ (در یک طیف پنج تایی)، در حد متوسط به بالا است. عواملی که می‌تواند بر مشارکت در ابعاد مدیریتی - نهادی - سیاسی مؤثر باشد، شامل جنس، شغل، سن در نظر گرفته شد.

د-۱- رابطه سن با تمایل به مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی میزان ضریب همبستگی دو متغیر سن و میزان مشارکت در امور سیاسی و نهادی برابر با ۰/۶۶۵- و در سطح معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمد. که نشان دهنده این موضوع است که بین سن با میزان مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. از این رو، با افزایش سن، میزان مشارکت در این بعد کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۶: همبستگی بین سن و میزان تمایل مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی

| متغیر | آماره | قدمت سکونت | مشارکت سیاسی |
|----------------|-----------------------|------------|--------------|
| همبستگی پیرسون | ضریب همبستگی | ۱ | ۰,۶۶۵ (***) |
| | سطح معناداری دو دامنه | | ۰,۰۰ |
| | تعداد | ۱۶۱ | ۱۶۱ |

د-۲- رابطه میزان تحصیلات با تمایل به مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی همبستگی بین میزان تحصیلات و مشارکت نهادی در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به میزان ۰/۴۳۹ معنادار و مستقیم می باشد. لذا با افزایش تحصیلات تمایل به مشارکت نهادی - مدیریتی افزایش می یابد و بالعکس.

جدول شماره ۱۷: همبستگی بین میزان تحصیلات و میزان تمایل به مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی

| متغیر | آماره | قدمت سکونت | مشارکت اجتماعی |
|-----------------|-----------------------|------------|----------------|
| همبستگی اسپیرمن | ضریب همبستگی | ۱ | ۰,۴۳۹ (***) |
| | سطح معناداری دو دامنه | | ۰,۰۰ |
| | تعداد | ۱۵۱ | ۱۵۱ |

د-۳- رابطه وضع فعالیت با تمایل به مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی یافته‌ها حکایت از آن دارد که افراد بازنشسته و خانه‌دار بیش از دیگران تمایل به مشارکت دارند و بقیه تقریباً بیش تر مخالف مشارکت نهادی هستند بر اساس اطلاعات جدول، میزان مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی در بین شغل های مختلف تفاوت معناداری ندارد.

جدول شماره ۱۸: بررسی رابطه میان وضع فعالیت با میزان تمایل به مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی

| تحلیل واریانس یک راهه ANOVA | فاصله اطمینان | سطح معناداری (دو دامنه) | F |
|-----------------------------|---------------|--------------------------|-------|
| | ۰,۹۵ | ۰,۴۵۰ | ۰,۹۵۰ |

۹. بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در توسعه منطقه پایین است.

چنانچه در بخش‌های بررسی شاخص‌های تحقیق اشاره شد برای سنجش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در منطقه ۲۲ از چهار بعد (اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، نهادی - مدیریتی - سیاسی) استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان تمایل به مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در منطقه ۲۲ برابر ۳ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که منطقه ۲۲ دارای ظرفیت توسعه است. بر این اساس فرضیه تحقیق که مدعی بود میزان مشارکت در منطقه ۲۲ پایین است، رد می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین مشخصه‌های عمومی پاسخگویان با میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در توسعه منطقه ۲۲ رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تکنیک آماری آزمون همبستگی کای اسکوئر پیرسون، اسپیرمن، آزمون F و آزمون T استفاده گردید. جدول زیر نشان می‌دهد میان جنسیت و قدمت سکونت با مشارکت در بعد محیطی رابطه‌ای وجود ندارد، ولی رابطه معنادار و معکوسی میان سن و میزان تحصیلات با مشارکت در بعد محیطی وجود دارد. همچنین میان سن و قدمت سکونت با مشارکت در بعد اجتماعی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد، و بین میزان تحصیلات با مشارکت در بعد اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی برقرار می‌باشد؛ در صورتی که میان جنسیت، نحوه تصرف ملک و قومیت با مشارکت در بعد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. مشخص گردید که میان درآمد با میزان مشارکت در بعد اقتصادی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد، در صورتی که میان نحوه تصرف ملک و وضع فعالیت با مشارکت در بعد اقتصادی، رابطه معناداری وجود ندارد. علاوه بر این که میان میزان تحصیلات با مشارکت در بعد مدیریتی رابطه معنادار مستقیم برقرار است؛ در صورتی که رابطه میان سن با میزان مشارکت در بعد مدیریتی رابطه معنادار و معکوس برقرار است. هم چنین بین وضع فعالیت با میزان مشارکت در بعد مدیریتی، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۱۹: وجود یا نبود رابطه معناداری میان مشخصه‌های پاسخگویان با میزان مشارکت در راهبرد توسعه شهری

| میزان مشارکت در ابعاد تحقیق | جنسیت | سن | قدمت سکونت | میزان تحصیلات | درآمد | نحوه تصرف ملک | وضع فعالیت | قومیت |
|-----------------------------|-----------|-------------------|------------------|-------------------|-------------------|---------------|------------|-----------|
| محیطی | عدم رابطه | وجود رابطه معکوس | عدم رابطه | وجود رابطه معکوس | * | * | * | * |
| اجتماعی | عدم رابطه | وجود رابطه معکوس | وجود رابطه معکوس | وجود رابطه معکوس | * | عدم رابطه | * | عدم رابطه |
| اقتصادی | * | * | * | * | وجود رابطه مستقیم | عدم رابطه | عدم رابطه | * |
| مدیریتی - نهادی - سیاسی | * | وجود رابطه مستقیم | * | وجود رابطه مستقیم | * | * | عدم رابطه | * |

* بنا بر فرضیه، مورد سنجش قرار نگرفته است؛ به عنوان مثال، بین نحوه تصرف ملک و بعد محیطی، وجود یا عدم رابطه معناداری سنجیده نشده است.

بر این اساس می‌توان گفت که فرضیه دوم تحقیق که مدعی بود میان مشخصه‌های عمومی پاسخگویان با میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان رابطه وجود دارد، اثبات می‌گردد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در این تحقیق سعی گردید میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در رویکرد راهبرد توسعه شهری در منطقه ۲۲ شهرداری تهران مورد سنجش قرار گیرد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان با میانگین ۳ (بین ۱ تا ۵) متوسط است. این در حالی است که ابتدا فرض بر این بود که با توجه به اینکه منطقه ۲۲ یکی از جدیدترین مناطق شهر تهران است و میانگین قدمت سکونت در این منطقه به کم‌تر از یک دهه می‌رسد، میزان مشارکت پایین باشد. در ابعاد چهارگانه رویکرد راهبرد توسعه شهری، بعد اقتصادی با میانگین ۳٫۱۵ بالاترین و بعد اجتماعی با میانگین ۲٫۸۲ پایین‌ترین میزان تمایل به مشارکت را به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های تحلیل نشان می‌دهد که تمایل به مشارکت در بعد محیطی با جنسیت پاسخگویان رابطه ندارد. این بدین معنی است که جنسیت تأثیری بر میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در بعد محیطی ندارد. از طرفی دیگر، میان میزان تحصیلات پاسخگویان با تمایل به مشارکت در بعد محیطی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش میزان تحصیلات پاسخگویان، میزان مشارکت در بعد محیطی کاهش می‌یابد. بین قدمت سکونت با تمایل به مشارکت در بعد محیطی پاسخگویان رابطه وجود ندارد. بین میزان تمایل به مشارکت در بعد محیطی با سن رابطه معنادار و معکوس وجود دارد، بدان معنا که با افزایش سن از میزان مشارکت در بعد محیطی کاهش می‌یابد. تمایل به مشارکت در بعد اقتصادی با وضع فعالیت پاسخگویان رابطه معناداری ندارد. از طرفی بین نحوه تصرف ملک و وضع فعالیت با مشارکت در امور اقتصادی نیز رابطه معناداری وجود ندارد. ولی میان درآمد و میزان تمایل به مشارکت اقتصادی در میان پاسخگویان رابطه وجود دارد که با افزایش میزان درآمد پاسخگویان، میزان تمایل به مشارکت در توسعه منطقه افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش سن پاسخگویان میزان مشارکت آن‌ها در امور نهادی-مدیریتی - سیاسی کاهش می‌یابد، و هرچه قدر میزان تحصیلات پاسخگویان بالاتر باشد، میزان مشارکت نیز بالاتر خواهد بود. نتایج حاصل از بررسی میزان تمایل به مشارکت در بعد مدیریتی - نهادی - سیاسی با وضع فعالیت نشان می‌دهد که بین این دو مقوله رابطه معناداری وجود ندارد. هم‌چنین بررسی‌ها نشان داد که با افزایش سن پاسخگویان میزان تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی کاهش می‌یابد. جنسیت نیز تأثیری بر میزان مشارکت در بعد اجتماعی ندارد. هم‌چنین با افزایش میزان تحصیلات، تمایل به مشارکت در بعد اجتماعی کاهش نشان می‌دهد، ولی با کاهش میزان قدمت سکونت در منطقه میزان مشارکت در بعد اجتماعی افزایش می‌یابد.

نحوه تصرف ملک و قومیت پاسخگویان هیچ گونه تأثیری بر میزان مشارکت آنان در بعد مشارکت اجتماعی ندارد.

با توجه به رویکرد راهبرد توسعه شهری، تجربه‌های این رویکرد در کشورهای خارجی نشان می‌دهد که مشارکت در مسائل زیست محیطی و ایجاد احساس مسئولیت به این قبیل پدیده‌ها، بیش از سایر مقولات و ابعاد مشارکت نیازمند فرهنگ‌سازی و آموزش است (World Bank, 1999:44). مسائل زیست محیطی به واسطه فراوانی تبعات و مشکلات تبعی ناشی از آن، به طور طبیعی حائز اهمیت است و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان با مطلع شدن از آن‌ها احساس مسئولیت کرده و حاضر به مشارکت فعال در این زمینه هستند. بر این اساس برگزاری دوره آموزشی، کارگاه‌های موضوعی و در نهایت تخصصی با محوریت مسائل زیست محیطی، می‌تواند نقش عمده‌ای در جلب مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در این مقوله داشته باشد (Cities Alliance, 2006:43).

در زمینه مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان، راه‌کارهای متعددی برای افزایش میزان در بعد اقتصادی وجود دارد. یکی از این راه‌کارها، ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری است. لازم است این بسته‌ها به صورت بسته‌های جامع ارائه گردد تا طیف متنوعی از سلاقی افراد با توان اقتصادی متفاوت را به مشارکت تشویق نماید. در این خصوص، لازم است که علاوه بر افزایش زمینه‌های مشارکت اقتصادی، زمینه‌های مشارکت غیر نقدی در بخش اقتصادی نیز فراهم شود (زبیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۳ - ۲۳۲). این مهم می‌تواند بیش‌تر حول محور سازوکار وقف و راه‌کارهای نوین اجرایی آن باشد. در این باره، تجربه‌های بسیاری در برای افزایش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در امر اقتصاد انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ترغیب شهروندان دارای تمکن مالی نسبت به مشارکت اقتصادی از طریق بیان تأثیر مستقیم مشارکت اقتصادی ایشان در افزایش کیفیت زندگی شهری و حل برخی مشکلات تبعی مقوله اقتصاد، حفظ و تقویت مشارکت اقتصادی عموم شهروندان در گروه درآمدی متوسط، ایجاد زمینه‌های مشارکت غیر مالی در ابعاد اقتصادی (احیای عادات فرهنگی قدیمی هم‌چون «دست کمکی» و «وقف» (CitiesAlliance,2006:36-37).

مشارکت در ابعاد اجتماعی، که کم‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است، بیش‌تر از سایر مقوله‌ها نیازمند بسترسازی و فعالیت‌های نرم‌افزاری است. ملموس نمودن نتیجه مشارکت، فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت آسان و کم‌زحمت برای شهروندان، افزایش زمینه‌های مشارکت مستقیم از قبیل همه‌پرسی در سطوح محلی، راه‌کارهایی اساسی در این زمینه هستند: تعریف فضاها و بسترهای مشارکت مستقیم در فعالیت‌های خرد محلی و زیر محلی از طریق برگزاری نشست‌های گروهی همسایگان و همه‌پرسی‌های خرد مقیاس با موضوع‌های کوچک (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۵)، ایجاد فضای تصمیم‌سازی توسط شهروندان آگاه و متخصص در جلسه‌های باز شهری (سیف‌الدینی، ۱۳۷۶)، تحریک احساسات عمومی به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت از طریق برگزاری مراسم

و جشن‌های آیینی و مذهبی، بهره‌گیری از شهروندان مشارکت‌جو در تشویق و ترغیب سایر شهروندان به امر مشارکت و استفاده از فرصت نظارت و پیگیری شهروندان در خصوص مطالبات ایشان به عنوان گام‌هایی در مشارکت فعال هستند. هم‌چنین افزایش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در بعد اجتماعی نیازمند آگاهی و اطلاع‌رسانی است که این مهم از طریق برپایی نمایشگاه‌ها (ارائه طرح‌ها)^{۱۳} (عنبری، ۱۳۸۵: ۱۰-۲۸)، برگزاری کنفرانس خبری^{۱۴}، تهیه بولتن خبری^{۱۵}، درج آگهی و پیغام در ضمیمه‌های روزنامه^{۱۶} و معرفی به گروه‌های شهروندی و فنی^{۱۷} (پریسکلی، ۱۳۸۶) میسر می‌شود.

مشارکت در بعد نهادی و مدیریتی به واسطه دو سطحی شدن توقع‌ها، وظایف و مسئولیت‌ها دارای پیچیدگی و مسائل خاص خود است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه، مسئولیت‌پذیری شهروندان و در نقطه مقابل وظیفه‌شناسی و حس پاسخ‌گویی مسئولان است. بر این اساس، لازم است که علاوه بر آموزش شهروندان برای ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری ایشان، با آموزش و ارائه بسته‌های سیاستی تشویقی و تنبیهی، زمینه افزایش وظیفه‌شناسی و پاسخ‌گویی مدیران را فراهم نمود. در این خصوص اقداماتی نظیر: افزایش ارتباط مؤثر و مستقیم شهروندان و مدیران شهری از طریق رسانه‌های دیجیتال، تشکیل کمیته‌های مشورت با مردم (مرادی مسیحی، ۱۳۸۴: ۳۴-۵۶)، تشکیل شوراهای برنامه‌ریزی محلی (برای به دست آوردن مشارکت مردم در باره برنامه خاصی مربوط به منطقه جغرافیایی ویژه‌ای شوراهای محلی تشکیل می‌شود. این شوراها منبع مشورتی برای مؤسسه‌های عمومی هستند) و ایجاد محل‌هایی در منطقه برای مراجعه برنامه‌ریزان به این محل‌ها (در این محل‌ها برنامه‌ریزان و مردم می‌توانند با هم ارتباط رویاروی برقرار کنند. این مکان‌ها مراکز پخش اطلاعات است و افراد می‌توانند در آن‌جا و مطالبی را در مورد طرح‌ها یا طرح‌های تأثیرگذار محلی مطرح کنند و پرسش‌هایی بپرسند) (دانشمند، نظریان، ۱۳۸۹: ۱۱۳) را می‌توان در جهت افزایش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در بعد سیاسی- نهادی - مدیریتی ارائه نمود.

پی‌نوشت‌ها

1. City Development Strategy
2. Action plan
3. Sun Tezo
4. Democratic planning
5. Process plan
6. Cities Alliance
7. World bank
8. Un-Habitat
9. Pearson Correlation
10. Spearman Correlation

۱۱. با دادن کدهای ۱ تا ۵ میزان نمره هر شاخص برای هر پرسش شونده به دست آمد. سپس میانگین نمرات خانوارها به عنوان نمونه

آن شاخص مورد توجه قرار گرفت.

۱۲. میانه نظری تحقیق با توجه به ۵ گزینه‌ای بودن طیف لیکرت، عدد ۳ است.

13. Exhibits / Display
14. News conference
15. News letters
16. Newspaper Inserts
17. Presentation to Group

فهرست منابع و مراجع

۱. پریسکلی، جرمی دلی (۱۳۸۶). **مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی شهری**، ترجمه: شرفی، مرجان و فاطمه رشیدی، فصلنامه شهرداری‌ها ۸ (۸۲): ۱۱-۲۰.
۲. حق جو، محمدرضا و اکبر سرداری زنون (۱۳۹۰). «طراحی استراتژی توسعه شهری مراکز تاریخی کلانشهرهای ملی (نمونه موردی مرکز تاریخی تبریز)»، **نشریه معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری** آرمانشهر. شماره ۶: ۸۷-۹۶.
۳. جکئی، ادواردز، پلروزنفلد ماریدی و استفانی بوث کیولی (۱۳۷۹). **تحقیق پیمایشی راهنمای عمل**، ترجمه: داوود ایزدی و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴. حسینی، سیدعلی (۱۳۸۰). **روشهای مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری (شهررشت)**، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۵. دانشمند، فثانه و اصغر نظریان (۱۳۸۹). «تقویت روحیه شهروندی در مدیریت کلانشهرها»، **فصلنامه جغرافیایی آماش**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر سال سوم، شماره ۸.
۶. رفیعیان، مجتبی و مهرنوش شاهین‌راد (۱۳۸۷). «راهبرد توسعه شهر در جهت تحقق برنامه ریزی توسعه شهری با تاکید بر برنامه راهبردی شهر کرمان»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، شماره ۲: ۶-۲۹.
۷. زیاری، کرامت‌الله، حافظ مهندزاد و فرهاد پرهیز (۱۳۸۸). **مبانی و تکنیک‌های برنامه ریزی شهری**، دانشگاه بین‌المللی چابهار، تهران.
۸. سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۷۶). «مشارکت مردمی و برنامه ریزی توسعه»، **مجله علوم اجتماعی و انسانی**، دانشگاه شیراز ۱۲ (۲): ۲۶-۳۹.
۹. شکرریز، حسین (۱۳۸۶). **وقف؛ مدلی مشارکتی در عرصه شهری (مطالعه موردی ملایر)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. عنبری، موسی (۱۳۸۵). «دولت، مشارکت و سازمان‌های غیردولتی، بررسی جایگاه و کارکردهای بخش توسعه»، **فصلنامه صادق** (۳۰). پاییز و زمستان.
۱۱. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۴). **برنامه‌ریزی راهبردی و کاربرد آن در شهرسازی ایران نمونه موردی کلانشهر تهران**، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۱۲. مهندسین مشاور فرهاد (۱۳۷۹). **برنامه ریزی ساختاری راهبردی توسعه شهری**، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۳. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۴). **برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران (نمونه موردی کلانشهر تهران)**، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شماره صفحه از ۱۵۶ - ۲۹، تهران.

14. Cities Alliance (2005), "The impact of city strategies, Washington D.C, USA.
15. Cities Alliance (2001), **City Development Strategies: The Cities Alliance Perspective**, Washington D.C, USA
16. Cities Alliance (2006), "Cities WithoutSlum: Guide to City Development Strategies". **Improving Urban Performance**, Cities Alliance, Washington, D.C.
17. Cities Alliance (2006), **City Development Strategy Guidelines: Driving Urban Performance**, February, Washington D.C, USA.
18. Un-habitat(2004-2009), **Kismu city development strategies**, Prepared by Kismu city council and center for development and planning management.
19. World bank(2006), **City Development Strategy Program in China**, Supported by the Cities Alliance, Washington D.C.USA.
20. World bank, A.(1999), **urban and local government development strategy**, World bank Washington, DC.
21. ODA. (overseas development administration)(1995), **Guidance note on how to do stakeholder, Analysis of aid project and programs**, Available at: <http://www.eu-foric.Org/gb/stake.1.Htm> access on: jan 3.2011.